

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: بایک آزاد

۰۶ اگست ۲۰۱۸

دفاع از مبارزه مردم ستمدیده عراق یک وظیفه انقلابی است

طی دو هفته اول ماه جولای ۲۰۱۸ که برابر با اواسط تیرماه [سرطان] ۱۳۹۷ می باشد، اکثر شهرهای عراق و به خصوص شهرهایی که توده های محروم و ستمدیده این کشور با حضور و نفوذ گسترده و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی مواجهند، شاهد قیام های وسیع توده ئی گشت؛ قیام توده هائی که با دلہائی انباشته از خشم و غضب نسبت به استعمارگران و ستمکاران خود با قهر انقلابی به مصاف دشمنانشان رفتند و چهره ضد خلقی آنها را در افکار بین المللی هر چه بیشتر افشاء کردند.

شعله قیام های توده ئی توده های محروم عراق از شهر بصره سر کشید و به زودی دیگر شهرهای جنوب و مرکز عراق و پایتخت آن بغداد را فرا گرفت. توده های زجر و عذاب دیده از ۱۵ سال مظالم سیستماتیک امپریالیسم امریکا و دست نشاندگانش با خشم و نفرتی بی کران در دل نسبت به دشمن (نظیر آنچه توده های رنج کشیده ایران در دی ماه [جدی] به دل داشته و دارند) یک باره به خیابان ریختند و هر مرکز ستم و سرکوب را که سراغ داشتند مورد حمله قرار دادند. این اولین خیزش توده ئی اعتراضی علیه ظلم و ستم رژیم وابسته به امپریالیسم عراق نیست. واقعیت این است که امپریالیسم امریکا در سال ۲۰۰۳، با لشکر کشی به عراق و سپس سپردن اداره کشور به دست مزدوران دست نشانده اش در خود عراق و سگ زنجیری اش، رژیم جمهوری اسلامی شرایط بس طاقتم فرسائی را برای مردم عراق به وجود آورده است. عصیان توده های به پا خاسته و کارد به استخوان رسیده محروم عراق در هفته های اخیر انعکاس شدت ظلم و ستم وصف ناپذیری است که به این خلق تحمیل شده است.

میادین و تأسیسات نفتی اولین محل هائی بود که مورد حمله توده های خشمگین قرار گرفتند. استان بصره که کانون تظاهرات بی سابقه اخیر بود، غنی ترین منطقه نفت خیز عراق محسوب می شود. صادرات نفت این منطقه ۹۵ درصد از درآمد سالانه دولت عراق را تشکیل می دهد. مردم فریاد می زدند چرا در شرایطی که کشور ما دارای چنین ثروت عظیمی است ما باید با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم کنیم. آنها علیه شرکتهای نفتی متعلق به امپریالیسم امریکا نظیر "اکسان موبیل" Exxon Mobil در میدان نفتی شماره یک قارنا و رومیلا با عنوان شرکت نفتی دولتی که یکی از بزرگترین غول های نفتی جهان است و همچنین شرکت های نفتی متعلق به دیگر نیروهای امپریالیستی نظیر شرکت روسی "لوک اویل" (Lukoil) در میدان نفتی شماره دو قارنا به پا خاسته بودند. با توجه به این که حفظ آرامش و امنیت سرمایه در این میادین یکی از اولویت های رژیم عراق است، نیروهای سرکوبگر با شدت عمل کامل با توده های به پا

خاسته و مدافع حقوق ملی خود برخورد کرده و درگیری های شدیدی در این مناطق بین توده ها و نیروهای مسلح مرتجع به وجود آمد. در ضمن درست در این مناطق بود که توده های خشمگین با شجاعت و دلاورانه توانستند برخی از نیروهای سرکوبگر را خلع سلاح نموده و با سلاح های به غنیمت گرفته شده دست به دفاع از خود زده و تنی چند از آن نیروها را به سزای اعمال شان برسانند.

آتش زدن ساختمان های دولتی و دفاتر احزاب مرتجع حاکم و از جمله دفاتر متعلق به جمهوری اسلامی ، حمله به هتل محل اقامت نخست وزیر در بصره، حمله به ایستگاه های رادیو و تلویزیون و .. از جمله اقدامات مبارزاتی دیگر توده های به جان آمده عراق نه فقط در استان بصره بلکه در دیگر استان ها بود. در جریان خیزش قهرمانانه مردم ، شدت خشم و نفرت آنها به خصوص مردم ساکن جنوب عراق از رژیم جمهوری اسلامی که به مثابه کارگزار امپریالیسم امریکا در عراق عمل کرده و در جهت تأمین منافع این امپریالیسم با توسل به شکنجه و کشتار ، خون مردم این دیار را در شیشه کرده است ، آشکار گردید. جنایات فجیع جمهوری اسلامی در عراق علیه توده های دربند و تحت ستم این کشور به حدی است که امروز یکی از شعارهای مردم مبارز تظاهر کننده را "ایران برو گمشو" تشکیل می دهد.

در شهر نجف گروه عظیمی از مردم در حالی که همچون توده های سایر نقاط در جنوب عراق علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی شعار می دادند، به فرودگاه هجوم برده و ضمن وارد آوردن آسیب فراوان به منظور جلوگیری از اعزام نیروهای سرکوبگر از ایران، ترافیک هوایی را متوقف کردند. در جریان این حمله نیز نیروهای مسلح دشمن به مردم حمله کرده و آنها را کشته و زخمی نمودند. خبرگزاری ها تعداد کسانی که با گلوله مزدوران کشته شدند را دو نفر اعلام کردند.

در شهر الدیوانیه واقع در استان القادسیه، نیروهای مرتجع مسلح سپاه بدر، وابسته به رژیم جمهوری اسلامی به سوی توده های مبارزی که در جلو دفتر مرکزی این گروه دست به تظاهرات زده بودند ، تیراندازی کرده و یک جوان بیست ساله را با شلیک گلوله های زهرآگین شان کشتند. داعشیان جمهوری اسلامی در هر جا که امکان یافتند از تاکتیک راندن ماشین سرکوب به سوی مردم به قصد زیر گرفتن آنها نیز استفاده کردند؛ یعنی همان تاکتیک ضد خلقی که در جریان سرکوب جنبش سال ۸۸ و قیام دی ماه به کار گرفتند. برخورد شدیداً سرکوبگرانه نیروهای مسلح مرتجع علیه مردم تحت ظلم و ستم عراق به حدی بود که عفو بین الملل اعتراف کرد که نیروهای سرکوبگر در جریان تظاهرات مردم در بغداد و دیگر شهرهای عراق مردم بی سلاح را به گلوله می بندند. در بغداد نیروهای ارتجاع با شلیک گاز اشک آور و پاشیدن آب داغ به سوی تظاهر کنندگان به وظیفه ضدانقلابی خود که همانا مقابله با توده های مبارز جهت حفظ سلطه امپریالیسم امریکا و وضع مختنق و طاقت فرسای موجود است، عمل کردند.

در جریات قیام مردم عراق، حکام مرتجع در جهت فریب مردم سعی کردند با اعلام حمایت از شورش آنها به خیزش انقلابی توده های گرسنه و پر خشم و کین از سلطه امپریالیسم امریکا و کارگزارانش در عراق، رنگ مذهبی و قومی ببخشند. اتفاقاً رسانه های مرتجع نیز برای مخدوش کردن ماهیت مردمی مبارزات به حق توده های زجر کشیده و به پاخاسته عراق سعی خود را کردند که همچون قبل، مبارزات مردم را به درگیری این یا آن فرقه مذهبی با دیگر فرقه ها نسبت دهند. اما اصالت مبارزات و شعارها و اقدامات عملی توده های محروم عراق که برای گسستن زنجیر از دست و پایشان به پا خاسته اند جایی برای این فریب کاری و مغلظه کاری باقی نگذارد. تظاهرکنندگان خواسته های خود را در شعارهایشان علیه بیکاری و فقر، و ناکافی بودن خدمات عمومی به خصوص قطع برق و فقدان آب آشامیدنی در مناطق فقیرنشین که از زمان اشغال عراق توسط امریکا تشدید شده، بیان کرده و آشکار ساختند که هدفشان از مبارزه به وجود آوردن شرایط یک زندگی مرفه و آزاد انسانی در جامعه می باشد. همچنین آنها با فریاد رسای "نه شیعه، نه

سُنی"، امکان چنان فریبکاری را از رسانه های مرتجع سلب نمودند. همچنین علی رغم قطع اینترنت و دیگر کانال های ارتباطی و خارج کردن امکان پخش ویدئو از دست مردم و جوانان عراقی در معدود ویدئو های پخش شده از آن اعتراضات، تصاویر خشمگین جوانانی را می شد دید که صراحتاً مطرح می کنند که در عراق خواهان "انقلاب" یعنی نابودی کل سیستم استثمارگر و ضد خلقی کنونی هستند. آنها از ضرورت انقلاب برای دستیابی به یک زندگی انسانی سخن گفتند و از جمله تأکید کردند که زیر پای ما مخازن نفت است ولی ما در فقر و بدبختی زندگی می کنیم.

واقعیت این است که شرایط ظالمانه ای که باعث شورش و عصیان توده های قیام کننده عراق گشته همان شرایطی است که توده های تحت ظلم و ستم ایران را از دیماه ۱۳۹۶ به خیابان کشانده است. تجربه نشان داده است که ظلم ها و مصیبت هایی که توده ها در زندگی با آنها مواجه هستند، در نقطه ای آنها را به شورش و عصیان می کشاند. خشم و کینه انباشته شده در طی سالیان دراز در دل آنها، یکباره منفجر می شود و توده ها را به صحنه مبارزات پرشور و قهر آمیز علیه استثمارگران و ستمگران می کشاند. این را هم تجربه نشان داده است که معمولاً مسأله و موضوع خاصی اولین انگیزه را برای ورود توده های ستمدیده به صحنه مبارزه سیاسی فراهم می نماید. به یاد داریم که در تونس جرقه انقلاب با خودکشی یک دستفروش که مورد ظلم و تعدی نیروهای مزدور حاکمین قرار گرفته بود زده شد. در عراق، اولین موضوع اعتراض برای آغاز مبارزه سیاسی و قهر آمیز توده ها، اعتراض توده های محروم بصره که همچون مردمان خوزستان در شرایط گرمای طاقت فرسا با بی آبی و قطع برق مواجه اند، به قطع برق و بی آبی بود. اما به زودی معلوم شد که مردم رنجدیده عراق که تحت سلطه امپریالیسم امریکا و کارگزاران مرتجع وحشی حاکم بر سرنوشت مردم در این دیار و از جمله نفوذ و دخالتگری های جمهوری اسلامی، رنج ها دیده و زجرها کشیده اند، امروز در اعتراض به شرایط وخیم اقتصادی، بیکاری، فقدان خدمات اجتماعی، دزدیها و فساد دولتی و به طور کلی برای رهایی از وضع موجود دست به قیام زده اند.

۱۵ سال پیش امپریالیسم امریکا (در زمان ریاست جمهوری بوش پسر) به همراهی امپریالیسم انگلیس (در زمان نخست وزیری بلیر)، با ادعای نجات مردم عراق از دست دیکتاتور حاکم بر آن کشور یعنی صدام حسین که دیکتاتوری چون شاه و خمینی بود و در طول حکومتش خون مردم عراق را در شیشه کرده بود، به عراق حمله نمود. این حمله به رغم اعتراضات صد ها میلیون تن از مردم ضد جنگ جهان صورت گرفت که با راهپیمائی و اعتراضات خویش، مخالفتشان را با حمله نظامی و دخالت امپریالیستها در عراق اعلام کردند. دولتهای متجاوز امپریالیستی، با مشاهده این مخالفت ها طی تبلیغات گزاف و دروغین در توجیه حمله نظامی به عراق، از جمله بر وجود و ضرورت یافتن و نابود کردن سلاح کشتار جمعی خطرناک در نزد صدام حسین دست گذاردند و به مردم جهان اعلام کردند که اگر دیر بجنبند چه بسا که صدام حسین همین امروز یا فردا از این سلاح خطرناک علیه مردم اروپا استفاده کند. البته بعدها، پس از این که جنگ طلبان مذکور به هدف خود رسیدند، خبرهایی در رسانه ها منتشر شد و معلوم کرد که صدام حسین فاقد چنان سلاحی است که بوش و بلیر ادعا کرده بودند. در جریان جست و جوی بعد از اشغال عراق نیز هیچ اثری از وجود چنین سلاح هایی به دست نیامد.

بلیر نیز در جریان اعتراضات وسیع توده ئی که به وی و نقش وی برای ورود انگلیس به جنگ با عراق، پس از انتشار گزارش کمیسیون تحقیقاتی انگلیس موسوم به "چیلکات" اعتراف کرد که گزارشات در مورد داشتن سلاح کشتار جمعی توسط صدام حسین دروغ بوده و او "مسئولیت تمام اشتباهات در این زمینه را بدون هیچ عذر و بهانه ای" می پذیرد و به این ترتیب از تهدید مجازات و محاکمه به خاطر همدستی با نقشه های جنگی امریکا علیه مردم عراق گریخت.

واقعیت آن بود که جامعه تحت سلطه عراق به برکت وجود رژیم مزدور صدام حسین به یک بهشت برین برای سرمایه های امپریالیستی و بازاری بزرگ و آینده دار، تحت نفوذ چند امپریالیسم تبدیل شده بود. اما با روی کار آمدن و تحکیم قدرت نومحافظه کاران در امریکا، امپریالیسم امریکا با هدف گسترش سلطه امپریالیستی خویش علیه رقباء و گرفتن سهم شیر و محدود کردن هر چه بیشتر نفوذ رقبایش در بازار این کشور و همچنین حضور مستقیم نظامی در عراق به عراق یورش برد. لشکر کثی امریکا به عراق که پس از اشغال افغانستان صورت می گرفت یکی از جلوه های سیاست "جنگ بی پایان" بود و یکی از مهمترین اهداف امریکا از این جنگ را تعرض به منافع رقباء در کشورهای تحت سلطه، با تکیه بر نیروی نظامی توسط امپریالیسم امریکا تشکیل می داد. تمامی تغییرات سیاسی و اقتصادی پسا جنگ در چهره این منطقه نشان می دهند که امریکا با حمله نظامی به عراق و فجایی که در پی این حمله برای مردم تحت ستم عراق ایجاد نمود، به منافع امپریالیسم روسیه و فرانسه در این کشور ضربه زد و با تحمیل حضور نظامی پایدار خود در یکی از مهمترین مناطق سوق الجیشی جهان به چپاول و تصرف عمده ثروت های مردم عراق - که البته سهمی هم از آن به امپریالیستهای انگلیس می رسید مشغول شد.

در جریان حمله به عراق زیر رهبری امریکا، آنها جهت خام کردن مردم این کشور که جانشان از ستم ها و اختناق و دیکتاتوری رژیم صدام حسین به لب رسیده بود، مدعی بودند که برای مردم عراق دموکراسی و آزادی به ارمغان خواهند آورد. اما واقعیت غیر از این بود. تا آنجا که امروز روزنامه گاردین تیتیر می زند که: ۱۵ سال بعد از اعتراض به جنگ در عراق، صلح (بخوان آزادی و خوشبختی مردم) بیش از هر وقت دیگر در این کشور دور از دسترس است. آنچه با حمله مستقیم نظامی امریکا بر این کشور از سال ۲۰۰۳ تا کنون بر مردم عراق گذشته آئینه تمام نمائی از سیاست تجدید تقسیم بازار کشورهای تحت سلطه توسط امپریالیستها و تلاش برای مستعمره سازی علنی با حضور مستقیم نظامی از طرف یک نیروی امپریالیستی می باشد.

۱۵ سال پیش امپریالیسم تبهکار امریکا با ادعای از بین بردن خطر سلاح های کشتار جمعی و برقراری "صلح" و "دمکراسی" و "آزادی" برای مردم عراق پس از سالها به شیشه کشیدن خون مردم این کشور از طریق حمایت از رژیم مزدور صدام حسین و سپس اعمال سیاست تحریم اقتصادی و تحمیل سالها گرسنگی و قحطی به مردم ستمدیده عراق، وحشیانه از هوا و زمین به عراق حمله کرد و خاک این کشور و زندگی و حیات خلقهای تحت ستم عراق را با زور نظامی خویش به توبره کشید. اشغال عراق و سرنگونی صدام که با نابودی اکثر زیر ساختهای این کشور و حیات و معاش میلیونها تن از مردم عراق در اثر تاخت و تاز ارتشهای امپریالیستی همراه شده بود، اما به هیچ رو باعث نشستن همای سعادت و صلح بر دوش رنجدیدگان و مردم عراق نشد. به دنبال اشغال عراق، این کشور هر چه بیشتر به صحنه تضادهای ضد خلقی بین فاتحین جنگ یعنی امریکا و شرکاء با امپریالیستهای دیگر تبدیل گشت. ارتش عمدتاً مجهز به سلاح های روسی با میلیاردها دالر سلاح و جنگ افزارهای غیر امریکائی اش نابود و به جای آن یک ارتش امریکا ساخته و متکی به سلاح های امریکائی برای سرکوب و کنترل مردم عراق سازمان یافت. دفاتر ملل متحد منفجر و ده ها میلیارد دالر قروض دولت عراق به روسیه به همراه تمام قراردادهای عراق با روسیه از طرف امریکا باطل اعلام شد و در عوض عراقی ها تا خرخره مقروض دولت امریکا شدند. نخستین برنامه ضد خلقی امپریالیسم امریکا زیر پای گذاردن حق تعیین سرنوشت مردم عراق از طریق تبدیل علنی عراق به یک مستعمره در قرن ۲۱ و گماردن یک "حاکم امریکائی" یعنی "پل برمر" بر آن بود. وی به عنوان نماینده بوش پسر پیش از ورود به عراق در یک سخنرانی در جمع تجار و مقامات امریکائی گفته بود که می خواهد در عراق "یک مستعمره درست کند" (رجوع شود به مصاحبه مهدی حسن خبرنگار شبکه الجزیره در واشنگتن با پل برمر در سال ۲۰۱۶) اما این نقشه به خاطر تضادهای فی مابین

امپریالیستها و آگاهی و مقاومت مردم عراق نقش بر آب شد. از آن پس دولت امریکا که خود را منجی توده های ستمدیده جا می زد، با پیشبرد یک سیاست نو استعماری بر مبنای ایجاد یک حکومت ظاهراً عراقی ولی دست نشانده حرکت کرد که به رغم تمام تغییر آرایش سیاسی آن در ۱۵ سال گذشته تمام تصمیم گیری های اساسی اش در حوزه برنامه های اقتصادی و تصمیم گیری های سیاسی زیر نظر مقامات امریکائی و در انطباق با نیازهای امپریالیسم امریکا انجام می گیرد.

تسلیح و تجهیز ده ها دار و دسته و جریان ارتجاعی و ضد انقلابی از شیعه و سنی گرفته تا ترکمان و کُرد و انداختن آنان به جان مردمی که پس از نابودی رژیم صدام در سودای رسیدن به یک عراق آزاد و آباد به سر می بردند، در طول ۱۵ سال گذشته بخش دیگری از سیاست نو استعماری امریکا در عراق را تشکیل داده است.

۱۵ سال پس از حمله امریکا و ساقط کردن رژیم بعثی صدام حسین، این کشور ثروتمند زیر نام رها شدن از سر دیکتاتوری صدام حسین مزدور و به دست آوردن آزادی، هر چه بیشتر در چنگال سلطه آشکار و مستقیم امپریالیستی امریکا قرار گرفته است.

در اثر همین سیاستها در عراق اشغال شده توسط ارتش امریکا بود که القاعده و داعش و ده ها دار و دسته ضدانقلابی و مزدور اسلامی سازمان یافته و تسلیح و تغذیه گشتند و به جان توده های منطقه انداخته شدند. در اثر همین سیاست هاست که امروز توده های تحت ستم عراق به رغم برخورداری از بزرگترین منابع نفت دنیا و ثروتهای سرشار دیگر، ۱۵ سال پس از سرنگونی رژیم مزدور صدام حسین به دست امریکا، زندگی شان همچنان در آتش جنگ و نا امنی و فقر و فلاکت و بیکاری می سوزد و در عوض تمامی منابع اقتصادی بالقوه و بالفعل این کشور به جیب امریکا و شرکاء و مشتی از سرمایه داران رذل وابسته به آنها در هیأت حاکمه عراق سرازیر می گردد.

در چنین شرایطی، سیاست نو استعماری، که مطابق طبیعت آن، استعمارگر چهره خود را در پشت حکومت دست نشانده و وابسته پنهان می کند، امروز در عراق وضع را به جانی رسانده که علی رغم این که همه مصیبت های کنونی مردم عراق به خاطر سلطه امپریالیسم امریکا و غارت ثروت های این کشور و در عین حال ایجاد آشوب و شرایط غیر امن در عراق می باشد، استعمارگر یعنی دولت امریکا دستان خونینش را در پشت صحنه قرار داده و مسؤلیت و نقش خویش را در به وجود آوردن وضع کنونی و جنایات علیه مردم عراق استتار می کند. این امریکا بود که عراق را اشغال کرد و همه فجایع امروز را بنیان نهاد و اوست که غارتگر و تبهکار اصلی است. اما با اتکاء به اعمال سیاست نو استعماری در عراق، هم اکنون این مرتجعین دیگر و از جمله جمهوری اسلامی می باشند که نقش کثیف جلوداری برای امپریالیسم امریکا در تضادش با توده های عراق را ایفاء می کنند.

حوادث عراق و جنبش اعتراضی اخیر همچنین بستری ست که با مطالعه آن می توان نقش کثیف ضد انقلابی را که جمهوری اسلامی برای امریکا در منطقه بازی می کند نیز واضح تر دید. سرازیر شدن منابع و سرمایه های مردم ایران که از فقر و بیکاری در رنج اند، توسط جمهوری اسلامی و صرف آنها برای تجهیز گروه های مزدور در عراق و دار و دسته های مسلح شیعه و سنی که در طول ۱۵ سال گذشته عملکردهایشان در خدمت ماشین جنگی امریکا و طبقه حاکم یعنی سرمایه داران وابسته به امپریالیسم بوده، سیمای واقعی و نقش جمهوری اسلامی در عراق را به عینه به معرض قضاوت می گذارد. رویدادهای عراق و نفرت بحق مردم این کشور علیه سلطه امپریالیستی و حضور و اعمال نفوذ جمهوری اسلامی در عراق نشان می دهد که چگونه از نقطه نظر توده های اسیر ولی آگاه و به جان آمده عراقی، جمهوری اسلامی، سگ زنجیری امپریالیسم و به نیابت از آن، مأمور اجرای سیاست های امریکا در این کشور

است. در نتیجه، همه خشم و نفرت مردم از وضع موجود به طور طبیعی متوجه کارگزاران امریکا در عراق و همانطور که دیدیم علیه جمهوری اسلامی و دار و دسته های وابسته به آن می باشد.

تظاهرات گسترده مردم به جان آمده عراق علیه وضع موجود و عوامل آن، به رغم تکان شدیدی که به دولت عراق و حامیانش داده، در رسانه های امپریالیستی یا انعکاس داده نشده و یا به شکلی بسیار محدود منعکس گشته اند. علاوه بر این هر جا هم که سخنی از ریشه اعتراضات خونین توده های عراقی به میان آمده، مقامات امریکائی کوشیده اند آن را کم اهمیت جلوه داده و اذهان را از عامل اصلی این اعتراضات یعنی سلطه ویرانگر امپریالیسم و دست نشاندهانش در عراق منحرف سازند. تا جایی که اخیراً یکی از مقامات امریکا یعنی هدر ناورث، سخنگوی وزارت خارجه امریکا در جلسه خبری در واکنش به تظاهرات اخیر عراق اظهار داشت که "واشنگتن به طور کلی از حق عراقی ها در برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز و عدم خروج از چارچوب قانون حمایت می کند و علت اعتراضات آنها به دلیل مشکلات آب و برق را درک می کند." وی سپس اضافه کرد که "ما ارتباط بسیار محکمی با دولت عراق داریم و در تماسی که با آنها داشتیم به ما گفتند که تظاهرات مردم را درک می کنند و در تلاشند تا مشکلات تظاهرکنندگان را برطرف کرده و خواسته های آنها را برآورده کنند".

واقعیت این است که فقدان آب و برق، تنها یک کبریت بود که بر خرمن خشک نارضایتی و خشم آماده اشتعال توده های عراقی افتاد. اما توده های تحت ستم عراق همچون مردم مبارز و جان به لب رسیده ایران خواهان نان، کار، مسکن و رفاه و آزادی و از بین رفتن بیکاری و فقر و فلاکت و پایان دادن به سلطه امپریالیسم امریکا و سگان زنجیری اش یعنی تمام دستجات مرتجع حاکم بر عراق و از جمله نفوذ و عملکرد رژیم جمهوری اسلامی هستند.

وقایع اخیر عراق نشان می دهند که رژیم جمهوری اسلامی چگونه با اجرای سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم امریکا و شرکاء در این کشور و در سطح منطقه، به ارتجاع بزرگ خاورمیانه تبدیل شده است. این واقعیت مردمان مبارز و تحت ستم منطقه را در کنار هم علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قرار داده و به تقویت مبارزه برای نابودی آن یاری می رساند.

در شرایطی که توده های رنج دیده ایران جهت انجام انقلاب در شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران در صحنه مبارزه حضور دارند، خیزش انقلابی مردم رنج دیده عراق مخصمه جدیدی برای امپریالیسم امریکا و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به وجود آورده است. دفاع و حمایت از حق توده های تحت ستم و جنبش های آنها در هر کجای دنیا یک وظیفه انقلابی است. به همین خاطر هیچ انسان شرافتمند و مبارزی نمی تواند نسبت به آنچه که در عراق می گذرد و جنبش مبارزاتی توده های به پا خاسته آن کشور بی تفاوت باشد. اما صرف نظر از این حقیقت، وجود یک دشمن مشترک علیه توده های منطقه آن عامل مضاعفی ست که باعث می گردد تا نیروهای مبارز و آگاه درک نمایند که برای تقویت انقلاب گرسنگان در ایران با تمام قواء از جنبش انقلابی توده های گرسنه و به جان آمده عراق باید دفاع کرد؛ توده هایی که که برای نابودی همان دشمن مشترک به میدان آمده اند.

هر چه مستحکم تر باد همبستگی مبارزاتی بین خلقهای تحت ستم منطقه از جمله خلقهای ایران و عراق علیه دشمنان مشترکشان یعنی امپریالیستها.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۲۹، تیر ماه ۱۳۹۷